

تمامی کودکان پناهجوی مبتلا به آپاتی در سوئد، باید اقامت بگیرند!



بچه ها ابزار قدرت نیستند!

صفحه ۳

آرام - گ - ایران



در پاسخ به نامه دوست عزیز آرام

کریم شاه محمدی

پیش از صد و پنجاه کودک پناهجو در سوئد به بیماری آپاتی «در خود ماندگی» مبتلا شده اند. بخش زیادی از این کودکان ارتباطشان با دنیای خارج قطع شده، ماههاست که در بیمارستانهای سوئد بستری هستند. والدین آنها نیز با دریایی از گرفتاری و ترس از اخراج به کشورهای دیگری که از آن گریخته اند روبه‌رویند. در طول دو سال اخیر مبارزه گسترده ای در دفاع از اقامت کودکان آپاتی در جامعه سوئد صورت گرفته است. فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد در صف اول این مبارزه تا به امروز در جدالهای مهم اجتماعی، در سطح رسانه های عمومی سوئد و در تظاهراتهای مختلف، تلاش و مبارزه ای پیگیرا برای کسب اقامت این کودکان کرده است. کمپین دو ماهه فدراسیون در سوئد که از ۱۵ ژانویه تا ۲۱ آوریل ۲۰۰۵ ادامه داشت، یکی از نمونه های برجسته از فعالیت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد بود. این کمپین پر قدرت که با استقبال وسیعی از سوی مردم سوئد روبرو شد منجر به لغو حکم اخراج این کودکان از طرف اداره مهاجرت سوئد گردید. و سرانجام در تاریخ هفتم ماه ژوئیه ۲۰۰۵ از سوی اداره امور مهاجرت سوئد اعلام شد که به تعداد دیگری از کودکان آپاتی اقامت دائم داده خواهد شد. اقامت تعداد محدودی از کودکان موسوم به آپاتی در سوئد، اگر چه هنوز به هیچ عنوان قانع کننده نیست اما نباید فراموش کرد که محصول مبارزه عظیم و درخشان ما در دفاع از حقوق انسان است. محصول مبارزه جنبشی است که دفاع از حقوق کودک را مقدم میداند و برای آن مبارزه میکند. در کمپین دفاع از کودکان آپاتی، سازمانها و نهادهای مختلفی در سوئد درگیر بودند و در این راستا نقش موثری ایفا کردند. صفحه ۶

مرزی میان ناموس و جنون!

صفحه ۵

آرام - گ - ایران

صفحه ۴

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

بچه ها ابزار قدرت نیستند!

آرام - گ - ایران - ۸/۴/۱۳۸۴

والدینی که روزی وجود فرزند را شاهپایه زندگی پنداشته اند و سبب استحکام زندگی مشترک خود، گمان نمی کردند که او را بازیچه اختلافات زناشویی خود کنند. شاید روزی که پیمان محبت و همکاریشان را جشن گرفتند حتی لحظه ای اختلاف از ذهن شادشان عبور نمی کرد چه رسد به اینکه فرزند را قربانی اختلافات میان خود کنند. اما اکنون که در جاده زندگی شان به کوره راهی خاکستری میرسند:

متاسفانه در بیش از ۹۰٪ از اختلافات خانوادگی کودکان به عنوان ابزار برای مقابله و به دست آوردن پیروزی و موقعیت بهتر از جانب والدین - آگاهانه یا نا آگاهانه - مورد سوء استفاده قرار میگیرند. بدون آنکه والدین به عواقب زیان بار این دسته بندی توجه داشته باشند.

و این همه آمار تاسف بار تنها به این دلیل است که کودک در چنین روابط و مناسبات خانوادگی در ایران جایگاه خاص خود را ندارد. کم نیستند والدینی که در

لحظات سخت اختلاف خود، با مظلوم نمایی خود سعی در جذب افکار کودک به سمت خود دارند، شاید بتوانند پیروز مبارزه باشند، یا اینکه سعی میکنند با القای افکار منفی از طرف مقابل به کودکشان، برای خود امتیازات بیشتری کسب کنند و شخصیت

و دست دراز میکند تا دخترک را که به گفته خودش ماهی است او را ندیده است در آغوش بکشد، اما دخترک وحشترده خود را پشت چادر مادر پنهان میکند و جیغ میزند..... تمام پیوند های عاطفی او و پدرش با دوری



چندین ماهه گسسته شده پدرش با او غریبه است.

متاسفانه گاهی خانواده بدون جدایی رسمی دچار از هم گسیختگی میشود که فرزند را در بالاترین سطح عاطفی قرار میدهد. در این خانواده ها کودک به

دیگری را کوچک جلوه دهند، بدون توجه به اینکه روح لطیف و حساس کودکشان را در دوراهی انتخاب قرار میدهند. بدون توجه به اینکه کودک آنها در هر شرایطی نیازمند برخورداری از محبت هر دوی آنهاست.

عنوان اهرم قدرت تلقی میشود، خواه نا خواه باید وارد میدان جنگ پدر و مادر شود.

در چنین شرایطی است که زمینه برای لشکر کشی های مدام هر یک از طرفین علیه دیگری فراهم میشود چنانکه با هر تلنگری به پیکر زندگی شان، شروع به کار منفی روی ذهن کودک خود کرده او را وادار میکنند تصویری خلاف واقع از دیگری داشته باشد. این اشتباه از سوی چنین والدینی - از روی نا آگاهی یا حتی بر اثر شرایط سخت زندگی - شاید در کوتاه مدت محبت فرزند را به ایشان جلب کند، اما در بلند مدت، این روح و روان کودک است که صدمات بدبینی، تنفر، و از همه مهمتر خلا عاطفی راتا ابد پذیرا ست.

اینچنین است که کودکانی که به هر صورت نقش یکی از والدین را کمرنگ احساس میکنند بزرگسالی از حل خیلی از مسائل خود عاجزند، طبق نظر روانشناسان، کودکانی که خلا ناشی از عدم وجود پدر را همراه زندگی خود دارند، گاهی از مهارتهای کلامی برخوردار نیستند، افت و شکست همراه همیشگی تحصیل آنهاست، مسئولیت پذیری کمتری دارند - به دلیل عدم اعتماد به نفس-، اضطراب و استرس

مهمان هر لحظه زندگی آنهاست. با توجه به آمار سازمان بهزیستی در ایران:

متاسفانه ۵۵٪ از زندانیان، ۷۰٪ از دانش آموزان اخراجی از مدارس، ۸۲٪ از دختران نوجوان فراری، و ۶۵٪ از معتمدان جامعه ایران، از خانواده هایی بودن اند که یا به طور کل از وجود پدر محروم بوده اند و یا پدر نتوانسته نقش خود را به طور صحیح و موثر ایفا کند.

ای کاش والدین میدانستند جدال زناشویی آنها تنها مربوط به خود آنهاست. کاش میدانستند رفتار آنهاست که مهر تایید نقش آنها در زندگیست نه تایید کودک آنها.

فرزند، ثمره روزگاری است سراسر نشاط و عشق که اینک ابزاری است برای پیروزی یکی بر دیگری

برنامه تلویزیونی

کودکان مقدمند

چهارشنبه ها ساعت ۸ شب به وقت تهران تکرار ساعت ۱۲ ظهر به وقت تهران

تلویزیون

کانان جدید

تل استار ۱۲، قرکانس ۱۲۶۰۸ مگاهترز سیمبل ریت ۱۹۲۷۹، اف ای سی، ۲/۳

مسکن، تغذیه، بهداشت و رفاه برای همه کودکان

در پاسخ به نامه دوست عزیز آرام در مورد جداییها در خانواده و تاثیر آن در شخصیت کودکان

کریم شاه محمدی
۲۰۰۵/۰۷/۰۵

آرام عزیز!

نامه ات را تحت عنوان «بچه ها ابزار قدرت نیستند» دریافت کردم قبل از اینکه به نکاتی که به نظرم می رسید بپردازم خواستم خوشحالی خود را ابراز نمایم. علاقه جدیت و پیگری شما نمایانگر قدم بزرگی در جهت دفاع از حقوق کودکان می باشد و این جای دل گرمی و خوشحالی ماست.

آرام عزیز آماری را که شما به نقل قول از سازمان بهزیستی ارائه داده اید درآورد، تاسف بار و اسفناک است و قلب هر انسانی را به شدت می فشارد «متأسفانه ۵۵٪ از زندانیان، ۷۰٪ از دانش آموزان اخراجی از مدارس، ۱۲٪ از دختران نوجوان فراری، و ۶۵٪ از

معتادان جامعه ایران، از خانواده هایی بودن اند که یا به طور کل از وجود پدر محروم بوده اند و یا پدر نتوانسته نقش خود را به طور صحیح و موثر ایفا کند» این آمار تنها گوشه کوچکی از چه فجایی است که بر سر کودکان در ایران می رود. اما شما در این نوشته نشان می دهید که از جمله کسانی هستید که از رنجی که بر کودکان در چنین شرایطی می رود بیزارید و می خواهید بدان پایان دهید. شما به خوبی بروی یکی از مشکلات بسیار مهم که گریبان گیر کودکان است انگشت گذاشته اید و این قابل تقدیر است. ولی در عین حال این مطلب از اشکالاتی برخوردار است که لازم دیدم به آنها اشاره ای داشته باشم به امید آن که با رسیدن به یک تبیین

عمیقتر از آنچه که بر کودکان در جامعه می رود بتوان به راه حل های پایه ای تری برای نجات این عزیزان رسید نتیجه گیری شما از آمار فوق چنان است که گویا مقصر اصلی پدر و مادرانی هستند که از هم جدا شده اند یا اینکه به نقش پدر اشاره دارید و این که محروم بودن کودکان از پدر آسیب فراوانی بر شخصیت آنان میزند و غیره... از این رو با عدم نشان دادن علل گسیختگی خانواده ها و یا علل پایه ای قربانی شدن کودکان در هنگام جدال های خانوادگی نمیتوانید راه حل های اساسی را نیز نشان دهید و در سطح اندرز باقی میمانید. در صورتی که این والدینی که شما به آنها اشاره دارید خودشان هم قربانیان جامعه هستند که انسانها را اسیر و بنده

منفعت اقلیت ناچیزی کرده است و این را خود شما شاهدید که چگونه خیل عظیمی از مردم در ایران برای تامین نیازها بسیار اولیه دست و پنجه نرم میکنند.

بیشتر توضیح می دهم که کجا با شما توفیق دارم و کجا با نوشته شما مشکل دارم. تا آنجائی که به نقش و برخورد فرد بر می گردد به لحاظی با شما موافق هستم. هیچ کسی حق ندارد چه پدر و مادر و چه عمه و دایی و هر کسی از نزدیکان کودک تحت هیچ شرایطی کودکان را مستمسک و بازیچه دستشان قرار داده و به لحاظ فیزیکی و روانی تحت فشارشان قرار بدهند این که فرد بزرگ سال خود قربانی روابط ظالمانه و فقیرانه جامعه است به هیچ وجه توجیهی نیست برای کودک آزاری و یا اعمال خشونت به کودکان. تا اینجا با هم توافق داریم ولی قضیه نباید اینجا خاتمه پیدا کند ما با

نصیحت کردن فرد و یا با بکارگیری روانشناسی به نتیجه چندان نمی رسیم و آنهم در شرایطی مثل ایران که ابعاد فاجعه چنان وسیع و عمیق است و فرد آنچنان از خود بیگانه و اسیر روابط و مناسبات ظالمانه و قرون وسطائی است که اراده چندانیه نه تنها در تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی خود بلکه حتی در روابط و امور روزمره زندگی خود نمیتواند اعمال کند. از این رو بدون گسستن این زنجیرها، بدون ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی پایه ای در جامعه و بدون تامین حداقل امنیت، آسایش و رفاه برای همه احاد مردم نمیتوان انتظار داشت کودکان در هنگام جدایی ها در خانواده از آسیبهای روحی و روانی کمتری رنج ببرند.

ادامه در صفحه ۵

ممنوعیت هر نوع آزار روانی، فشار و ارباب به کودکان

مرزی میان ناموس و جنون! آرام- گ- ایران

ادامه پاسخ کریم شاه محمدی به آرام...
کودکان یکی ز دستاوردهای بشر امروزی هست اما بدون فراهم کردن امکانات عمومی برای کلیت کودکان این علم هم مثل هر علم دیگری نمیتواند در خدمت همه جانبه سعادت انسانها قرار گیرد و یا عملا تغییری اساسی را در زندگی کودکان به وجود آورد. چرا که بخش اعظم مردم یا به آن دسترسی ندارند و یا وقتی کل مناسبات اجتماعی پوسیده و ضد انسانی است نمیتوان از آن انتظار کارائی وسیع و عمیقی در تغییر رفتار و شیوه برخورد جامعه نسبت به کودکان داشت. به نظرم اگر ما بخواهیم نتیجه منطقی از قضیه به دست بدهیم خانواده و فرد در بطن جامعه قابل توضیح است و اگر نه تجرید کردن آن ما را به برخوردها و جدالهای پیروز و موفق باشید

اخلاقی خواهد کشاند که مسبب اصلی و نقش اصلی که جامعه و در راس آن دولتها است کم رنگ می شود و یا به فراموشی سپرده خواهد شد و در نتیجه جای علت و معلول جا به جا می شود.

در آخر شما را رجوع میدهم به بیانیه حقوق کودک و این که تحقق چه مطالبات و خواسته هایی میتواند به کودک جایگاه واقعی آن را در جامعه بدهد و این که وقتی این بیانیه تاکید میکند که ,, رفتار هر جامعه با کودکان محک ارزیابی درجه انسانی بودن و آزاد بودن آن جامعه است,, یعنی چه؟ و به چه ملزوماتی وابسته است. امیدوارم در فرصتهای دیگر بیشتر در این رابطه بحث کنیم و شما نیز بیشتر در مورد کودکان در ایران برایمان بنویسید.

تهران همچنین حاکیست قتل های ناموسی و جنسی در چند حالت رخ میدهد که یکی از آنها هنگامی است که دختری با جوان دیگری رابطه نامشروع برقرار میکند و این رابطه فاش میشود. بنا بر این نوعی سرشکستگی برای اعضای خانواده ایجاد میشود، در این موارد پدر یا برادر دختر اقدام به قتل میکنند، زیرا میدانند شاکه وجود ندارد و یا شاکه به سهولت رضایت میدهد، بنا بر این مشکلی از جهت مجازات نخواهند داشت.

به گزارش ایسنا مطالعه موردی در سیستان و بلوچستان نشان داد تعداد موارد قتل در تیر ماه سال ۷۹ بالغ بر ۲۷۸ مورد بوده که از این تعداد ۵ نفر به اتهام قتل همسر (زن یا مرد) در زندان به سر میبرند.

این در حالی است که بررسی پدیده خشونت خانوادگی در این استان نیز از فراوانی و شیوع این پدیده حکایت دارد. نتایج بررسی همسر کشی در ۱۵ استان کشور نیز نشان میدهد که ۶۷ درصد قتل مردان به دست همسرانشان و به علت وجود شخص ثالث (خیانت مرد) و ۳۳ درصد واکنش در برابر خشونت مرد حمله ناگهانی یا تهدید از سوی او بوده است. نتایج پژوهش دکتر شهلا معظمی عضو هیات علمی موسسه مطالعات جرم شناسی دانشگاه

زناشویی، نا فرمانی و عدم تمکین جنسی و حتی سهل انگاری در وظایف زناشویی ممکن است به عمد یا سهوا همسر خود را به قتل برسانند. و با تمسک به این ماده قانونی و توسل به عامل تحریک و از دست دادن کنترل شخصی خود را تبرئه کنند.

در این پژوهش میانگین سن زنان (قاتل و مقتول) به هنگام ازدواج ۴/۱۳ سال و میانگین سن مردان به هنگام ازدواج ۶/۲۷ سال و میانگین طول مدت ازدواج ۶/۱۲ سال بوده است که از طولانی بودن زندگی مشترک آنها حکایت دارد و بیانگر آن است که پس از سپری شدن حداقل ۱۰ سال نیز زوجین به دلایلی نتوانسته اند زندگی مشترک را ادامه دهند و با داشتن راه حل دیگری برای جدا شدن همسر

**نشریه کودکان
مقدمند
را تکثیر و
پخش کنید**

ممنوعیت کار حرفه ای برای کودکان و نوجوانان

متن یک نامه به کریم شاه محمدی در باره بیانیه حقوق کودکان:
با تشکر از شما کریم

هر کاری از دست من بر آید دریغ نخواهم کرد کاری که شما می کنید من را متحیر کرده است. سمینارها، کنفرانسها و نوشتن بیانیه حقوق کودک، این کارهای که شما انجام می دهید خیلی بزرگ است. امیدوارم در کارهایتان موفق باشید. و آدرس یک نفر را به شما معرفی می کنم که او هم در رابطه با کار مهاجرین خیلی آکتیو است.
www.mfo.nu

باتشکر فراوان

/Fredrick Federley

Förbundsordförande CUF

| ۸۲ ۷۳ ۶۶۹-۰۷۰ | ۵۳ ۳۸ ۶۱۷-۰۸ [fredrick.fe-](http://fredrick.fe-derley@centerpartiet.se)

derley@centerpartiet.se

Centerpartiets Ungdomsförbund | <http://federley.blogspot.com/>

Box 2200, 103 15 Stockholm | Besök: Stora Nygatan 4

ادامه کودکان آپاتی ...

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در سوئد این دستارود را به همه فعالین فدراسیون، نهادها و دیگر سازمانهایی که در دفاع از کسب اقامت کودکان آپاتی مبارزه کرده اند، به خانواده و عزیزان این کودکان که در اثر ترس روزمره از اخراج، آسیب روحی و روانی دیده اند و به همه مردمی که در تظاهراتهای دفاع از این عزیزان شرکت کردند تبریک میگوید!

این عقب نشینی دیگری است که مبارزات ما به ادوات ضد پناهندگی سوئد تحمیل میکند. تمامی کودکان مبتلا به آپاتی باید بیدرنگ اقامت دائم بگیرند. رفتار و سیاستهای غیر انسانی دوائر پناهندگی دولت سوئد مسبب و عامل این ضایعه اجتماعی است!

مبارزات، استقامت و پایداری ما که جز نیروی اجتماعی مان سرمایه دیگری نداریم گام به گام به پیروزی نزدیک می شود و عقب نشینی گام به گام دولت سوئد روی دیگر چهره عوامفریبانه اش را برملا می کند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی همه پناهیویان را به اتحاد و مبارزه هر چه گسترده تر در دفاع از حقوق خود فرا میخواند.

همبستگی، فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - سوئد

دولت و کاسته شدن مربیان تعلیم و تربیت در مدرسه ها، کار زیادتری برای او بوجود آورده بود و وقت اضافه برای ایجاد رابطه نزدیکتری با بچه ها را به او نمی داد، احتمالاً شاید اگر در آن لحظه که پسر را مسخره می کرد، صورتش را درآینه ای می دید، و به یاد می آورد که چگونه با احترام با رئیس خود و با صمیمیت با دوستانش و با محبت با فرزندان خود سخن می گوید و همچنین به یاد می آورد که در مقابل او یک انسان بیگانه، کوچک با پاهای لرزان ایستاده بود که در دلش غوغای از نگرانی در جریان بود که دوباره معلم به او توهین کند، آنهم در حضور دیگر همکلاسیها و آنهم در زیر نگاههای تیز آن گروه از پسرای بزرگتر که حتی معلم ها هم از آن آنها می هراسیدند.

ادامه پسران تنها ...
سخنان خودم او را مجاب کنم که دوستانش را از آن جادور سازد ولی او فقط در جواب من گفت:
پدر من این حالی نمیشه، چرا که کسی شهامتش را ندارد که با من طرف بشه! و من پسر را مشاهده کردم که به گفتگوی ما گوش میداد و با چشمان او روبرو شدم و برقی که از آن جهید و آن فریاد بیا و من مرا ببین که خاموش شد، شاید برای همیشه. انگار که او دیگر به گرفتن یاری از کسی احتیاج نداشت. در روزهای بعد از این جریان اگر یکی از مربیان مدرسه در حرکات او دقیق می شد، بخوبی میتوانست تشویش را و گام های او که بسوی آن طرف مرزها برداشته می شد، ببیند. و کسی ندید. نه ندید. حتی پدرش ندید، که او را می پرستید و در حالت مستی روی زانوهای او می افتاد و گریه می کرد. معلم سختگیر ورزش هم ندید و خستگی را در صورت رنگ پریده پسر ندید. یک روز دوشنبه بود، پس از یک تعطیلی جهنمی. معلم عذر پسر را که پا درد دارد و نمیتواند بدون فیول نکرد. بهانه های او و بیماری ها دروغش را به حساب دست و پا جلفتی او می گذاشت، که دل درد دارد، که پیش پیچ خورده است، که..... شاید خود معلم ورزش هم خسته بود، احتمالاً..... شاید معلم ورزش تجربه کارکردن با بچه های که مشکل دارند، را نداشت، احتمالاً
شایه صرفه جویی های

ممنوعیت فوری حجاب برای کودکان